

راهبردهای طراحی مرکزنگهداری کودکان بی سرپرست با هدف افزایش تعلق به مکان در شهر اصفهان*

مهندس سمیرا بهمن یار**، دکتر نرگس دهقان***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

مکیده

طبق آمار بهزیستی، شانزده مرکزنگهداری کودکان بی سرپرست در شهر اصفهان وجود دارد که اکثرشان ساختمان‌هایی بدون توجه به تعلق به مکان هستند. از آنجایی که تاکنون این مراکز با تأکید بر بحث تعلق به مکان مورد مطالعه نبوده‌اند، این تحقیق با هدف دستیابی به راهبردهای طراحی مراکزنگهداری شهر اصفهان ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله با روش تحقیق ترکیبی متوالی-اکتشافی، در چهار مرحله به جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها پرداخته است. در ابتدا، سه مؤلفه اصلی تعلق به مکان؛ تعاملات اجتماعی، هویت مکان و دلبستگی به مکان با کمک تحلیل محتوای منابع کتابخانه‌ای، مقولات اصلی و ریزمؤلفه‌هایشان به دست آمد، مراحل بعدی پژوهش؛ با کمک مشاهده مشارکتی، تحلیل تصاویر ذهنی و انجام مصاحبه باز، انجام گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که سازمان‌دهی فضای باز خصوصی و عمومی موجب افزایش تعاملات اجتماعی و خاطره‌سازی و توجه به حریم خصوصی کودک باعث ایجاد دلبستگی به مکان می‌شود همچنین با ایجاد فضا با هدف تجربه مکان؛ هویت مکان افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

تعلق به مکان، کودکان بی سرپرست، تعاملات اجتماعی، هویت مکان، اصفهان.

* این مقاله برگرفته‌شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری سمیرا بهمن یار تحت عنوان «طراحی مرکز نگهداری و پرورش کودکان بی سرپرست (۶ تا ۱۰ سال) با هدف افزایش تعلق به مکان» است که به راهنمایی دکتر نرگس دهقان در دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد به پایان رسیده است.

** کارشناسی ارشد، گروه معماری، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: Samira.bahmanyar2019@gmail.com

*** استادیار، گروه معماری، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: dehghan@par.iaun.ac.ir

مقدمه

تحقیقات در زمینه حس تعلق به مکان رو به افزایش بوده است، ولی پرداختن به معیارهای کیفی فضای مسکونی از جمله مرکزنگهداری با کمک روش‌های تحقیق کیفی و استخراج داده‌ها با مشارکت کودکان، دیده نمی‌شود، بنابراین سؤالات اصلی در این مقاله که با مشارکت کودکان به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد؛ آن است که عوامل تأثیرگذار در ایجاد تعلق به مکان در کودکان بی‌سرپرست چیست و راهبردهای طراحی در قالب مؤلفه‌های هویت مکان، دلبستگی به مکان و تعاملات اجتماعی در مراکزنگهداری و با هدف افزایش تعلق به مکان کدامند. این مقاله با کمک روش تحقیق ترکیبی و چهارمرحله‌ای، سعی دارد به راهبردهای طراحی مرکزنگهداری با هدف افزایش تعلق به مکان کودکان، با توجه به اهمیت این رده سنی به دلیل عدم اشتغال فکری و تأثیرپذیری بیشتر آن‌ها از محیط، بپردازد. سه مؤلفه اصلی تعلق به مکان؛ دلبستگی به مکان، هویت مکان و تعاملات اجتماعی است که از مرحله اول و با کمک منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای آن‌ها، به همراه مقولات اصلی و ریزمؤلفه‌هایشان به دست آمد. سپس در مراحل بعدی با تأکید بر این سه مؤلفه اصلی، بخشی از راهبردهای طراحی با کمک مشاهده مشارکتی کودکان بی‌سرپرست و تحلیل تصاویر ذهنی آن‌ها توسط روانشناسان کودک و در ادامه با انتخاب تصاویری به کمک متخصصان معماری و روان‌شناسی جهت انجام مصاحبه باز با کودکان؛ راهبردهای طراحی مرکزنگهداری کودکان بی‌سرپرست جمع‌آوری شدند.

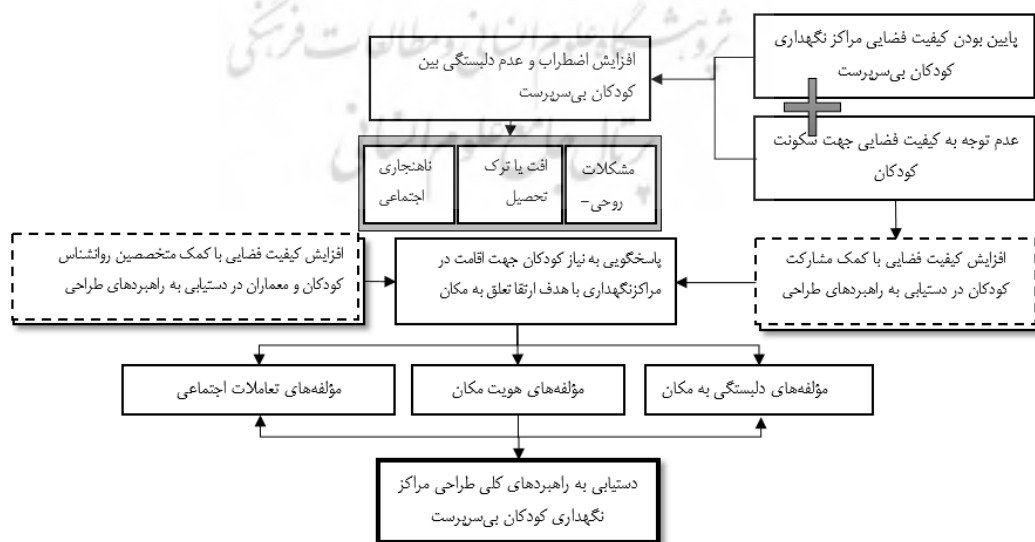
پیشینه پژوهش

بر اساس تئوری (Chawla, 1992, 72) و تحقیقات مرتبط با آن، مکان‌ها به سه حالت برای کودکان نمود می‌یابند: دلبستگی و امنیت، وابستگی اجتماعی و بیان خلاقانه و اکتشاف. مطالعات طراحی پرورشگاه‌ها دریافته‌اند که ارتباط افراد و فعالیت‌های آن‌ها بیش از معماری برای کودکان بی‌سرپرست مهم است (Khanbabaei, 2016). علاوه بر این، کودکان بی‌سرپرست دارای احساساتی نظیر احساس خودکم‌بینی و شکست و طردشدگی هستند که اگر به‌درستی مراقبت نشوند موجب لطمه‌های جبران‌ناپذیری در شخصیت کودکان می‌شود (Roche, 2020). با رفع نیازهای روحی کودکان بی‌سرپرست دلبستگی به مکان به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد (Bettmann, 2015, et al.). میزان رضایتمندی از محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند در سازگاری هرچه بیشتر آنان با محیط و ایجاد تعلق به مکان بسیار حائز اهمیت هست (Khanbabaei, 2016) و این رضایتمندی با طراحی جذاب فضاهای خاص شخصیت کودک مرتبط است. همچنین، تحقیقات انجام‌شده در اقامتگاه‌های شبانه‌روزی نشان

طبق آمار یونیسف در سال ۲۰۲۰، حداقل ۱۵۳ میلیون کودک بی‌سرپرست در جهان وجود دارد و این تعداد در ایران به ۱۰ هزار نفر می‌رسد. در استان اصفهان نیز، ۱۱۰۰ کودک در گروه‌های سنی زیر ۱۸ سال، در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند که تنها ۴۸۰ نفر از آن‌ها در خانه‌های سازمان بهزیستی هستند (Asgari & Naghavi, 2020). تا اکنون ۴۰ خانه کودک در استان اصفهان تأسیس شده است و در هر خانه ۱۰ تا ۱۲ کودک تحت مراقبت هستند. تعداد مراکز نگهداری فعال در شهر اصفهان ۱۶ عدد است و تنها یکی از آن‌ها دولتی است و مابقی را خیران اداره می‌کنند. از بین مراکز موجود، دو ساختمان با تغییر کاربری، در حال فعالیت هستند که از کیفیت لازم در راستای افزایش تعلق به مکان، برخوردار نیستند. همچنین پرورشگاه «نرجس»، تنها مرکز دولتی شهر اصفهان، مشکلاتی مانند فضای ناکافی برای کودکان، تهویه نامناسب و عدم وجود فضای آزاد را دارا است (ناجی، ۱۳۹۹). در صورتی که وجود تعلق به مکان نقش اساسی در سلامت روان کودکان بی‌سرپرست آسیب‌دیده را دارد و نبود آن در مراکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست موجب ناهنجاری‌هایی مانند انکار مداوم واقعیت، حواس‌پرتی، خودسرنشی و غیره می‌شود (Yendork, 2020). همچنین با توجه به حضور ناکافی مراقبان کودک و چرخش‌های ناسازگار شیفت‌ها، کودکان معمولاً با جدایی‌های مکرر از مراقبت‌کنندگان خود مواجه می‌شوند (Johnson et al., 2010). کودکان بی‌سرپرستی که در سنین پایین با محیط زندگی‌شان و افراد آن مکان، ارتباط مطلوبی برقرار نکنند، با مواردی مانند عدم اعتماد به نفس و عدم مسئولیت‌پذیری در انتخاب‌هایشان مواجه می‌شوند (Yendork, 2020). بالطبع هر چقدر کیفیت فضا به لحاظ سازگاری محیط و پاسخ به انتظارات کاربران بالاتر باشد به دنبال آن تعلق به مکان نیز بیشتر خواهد بود (Roche, 2020). در این خصوص در استان اصفهان تنها مرکزی که به مؤلفه‌های تعلق به مکان توجه ویژه‌ای داشته است، اقامتگاه دختران بی‌سرپرست خوانسار است که بر خلاف اقامتگاه‌های دیگر به هویت مکان و حریم شخصی در جهت ایجاد دلبستگی به مکان و در نتیجه آن افزایش تعلق به مکان، توجه شده است. ولی چنین بنایی با این اهداف برای کودک بی‌سرپرست در سطح شهر اصفهان، در جهت رفع نیازهای روانشناسی کودک بی‌سرپرست و با هدف بالا بردن سطح تعلق به مکان تمهیدات طراحی صورت نگرفته است. به همین جهت کسب راهبردهای طراحی مؤثر بر افزایش تعلق به مکان از اهمیت بالایی برخوردار است تا بتوان پرورشگاه‌ها را از مکان‌های پرجمعیت به خانه‌های کم‌جمعیت و کوچک با رویکرد خانواده محور تغییر داد. هرچند در سال‌های اخیر

و عوامل تأثیرگذار همچون دل‌بستگی به مکان، هویت مکان و تعاملات اجتماعی به طور کیفی درباره کودکان بی‌سرپرست مورد مطالعه قرار نگرفته است. همچنین در ارتباط با پرورشگاه‌های موجود در شهر اصفهان به راهبردهای طراحی تعلق به مکان به طور محدود و ناکافی توجه شده است. در این خصوص پژوهش جهت دستیابی به راهبردهای طراحی که بتواند پاسخگوی نیازهای روانشناسی کودکان باشد، ضروری است. با توجه به پایین بودن سطح کیفیت فضایی مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست و عدم توجه به کیفیت فضایی جهت سکونت کودکان، اضطراب و عدم دل‌بستگی بین کودکان و مراقبین افزایش می‌یابد و موجب مشکلات روحی-روانی، افت و یا ترک تحصیل و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. لذا با کمک مشارکت کودکان و متخصصین روانشناسی و معماران، در دستیابی به راهبردهای طراحی به نیازهای کودکان بی‌سرپرست جهت اقامت در مرکز نگهداری‌شان، به افزایش کیفیت فضا رسیدگی می‌شود. در این مسیر به متغیرهایی جهت سنجش و ارزیابی تعلق به مکان نیاز است که از تحلیل محتوا و کدگذاری تحقیقات انجام‌شده پیشین به‌دست‌آمده‌اند (هویت مکان، دل‌بستگی به مکان، تعاملات اجتماعی) و با استفاده از این مؤلفه‌های تأثیرگذار می‌توان به راهبردهای طراحی مراکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست دست‌یافت. در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش نمایش داده شده است.

می‌دهد که تعاملات اجتماعی با مراقبان ممکن است عامل اصلی تأثیرگذار بر رشد شناختی و تعلق ایشان با محیط شود (Groark & McCall, 2005). طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر با استفاده از عناصر معماری تعریف‌شده برای کودک؛ از دیگر نتایج پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون پرورشگاه‌ها با افزایش دل‌بستگی به مکان بوده‌است (Gündüz, 2020). در این بین، تعلق به مکان^۱ به پیوند عاطفی افراد و محیط‌های خاص اشاره دارد. جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و احساس راحتی و امنیت می‌کنند (Tournois & Rollero, 2020). مؤلفه‌های اصلی تعلق به مکان و اصطلاحات دیگر مرتبط با روانشناسی محیط در این حوزه، منجر به انتشار تقریباً ۴۰۰ مقاله در بیش از ۱۲۰ مجله مختلف شده‌است (Lewicka, 2011). پس از تحقیقات و مطالعات انجام‌شده، چهار مؤلفه مؤثر بر افزایش تعلق به مکان شناسایی شده‌اند (Patwardhan et al., 2020). هویت مکان (Kyle et al., 2003)؛ دل‌بستگی به مکان (Japutra, 2020) پیوند عاطفی (Ramkissoon et al., 2012)؛ و تعاملات اجتماعی (Ramkissoon & Mavondo, 2015) اما متغیر پیوند عاطفی در ارتباط با تعاملات اجتماعی بیان می‌شود، در نتیجه مؤلفه‌های تأثیرگذار همان هویت، دل‌بستگی و تعاملات هستند (Aleshinloye et al., 2020). تعلق به مکان که از اساسی‌ترین موارد در طراحی فضاهای کودکان به‌خصوص کودکان بی‌سرپرست است، چالشی است که با کمبود منابع روبه‌رو است. محققان اغلب به رابطه بین کودکان با دیدگاه کلی پرداخته‌اند



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مبانی نظری پژوهش

یا نگرانی‌های مشترک افراد، تعاملات اجتماعی را در مکانی خاص افزایش می‌دهد (Raymond et al., 2010). همان‌طور که پیوندهای اجتماعی با محیط افزایش پیدا می‌کنند، تعلق به مکان نیز افزایش می‌یابد (Lewicka, 2011). فضای باز، به دلیل امکان مشارکت بیشتر کودکان، انعطاف‌پذیری و امکان گسترش فضا، در افزایش تعلق به مکان بسیار تأثیرگذار است (Soltanzadeh, 2018).

روش و فرایند پژوهش

با توجه به موضوع و هدف پژوهش؛ روش تحقیق، ترکیبی اکتشافی است و شامل چهار قسمت است: قسمت اول؛ در ابتدا مؤلفه‌های مؤثر تعلق به مکان با مطالعه کتب و مقالات داخلی و خارجی جمع‌آوری شد و سپس به کمک روش تحلیل محتوا، داده‌ها مورد بررسی و نتایج به‌صورت کدگذاری ضبط شدند. قسمت دوم؛ در این قسمت با حضور در مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست؛ با مشاهده مشارکتی به‌عنوان مربی داوطلب، داده‌های مورد نظر جمع‌آوری شدند و پس از تجزیه و تحلیل، ثبت شدند. قسمت سوم؛ این قسمت از پژوهش، با جمع‌آوری نقاشی کودکان انجام شد و نتایج مقوله‌های استخراج‌شده جمع‌آوری گردید. قسمت چهارم؛ قسمت آخر پژوهش با کمک متخصصان معماری و روانشناسان کودک، از طریق پرسشنامه طیف لیکرت، تصاویری از فضاهای واقعی مراکز نگهداری انتخاب شد و با استفاده از این تصاویر با کودکان مصاحبه باز انجام گرفت تا راهبردهای طراحی کامل شوند. فرایند پژوهش در ادامه در شکل ۲ قرار گرفته است.

بمب و یافته‌های پژوهش

قسمت اول؛ استخراج مقولات مرتبط با تعلق به مکان از منابع کتابخانه‌ای؛ در این قسمت مفاهیمی که بیشترین تأثیر را بر متغیر اصلی داشتند، استخراج شدند و مقوله‌های اولیه از مفاهیم به دست آمدند و سپس داده‌ها با کدگذاری تحلیل شدند. پس از کدگذاری مقولات اولیه، داده‌های جمع‌آوری‌شده تحلیل شدند و در مقولات سازمان‌دهی دسته‌بندی شدند. سپس با تحلیل دقیق متغیرهای به دست آمده و مقولات سازمان‌دهنده، مقولات فراگیر تهیه شدند و در سه دسته‌بندی کلی شامل، دل‌بستگی به مکان، هویت مکان و نیز تعاملات اجتماعی، قرار گرفت. مجموع کل کدگذاری‌ها ۴۷۷۵ بود که از این کدها ۴۳ درصد به مقوله فراگیر دل‌بستگی به مکان اشاره دارد و ۳۰ درصد به هویت مکان و ۲۸ درصد به تعاملات اجتماعی اشاره دارد. در جدول ۱ تنها به مقولات سازمان‌دهنده و فراگیر به‌صورت خلاصه پرداخته شده است و مقولات اولیه حذف شده‌اند.

به‌منظور دستیابی به متغیرهای تعلق به مکان به‌وسیله منابع کتابخانه‌ای، به کتب و مقالات داخلی و خارجی مراجعه شد و سپس به کمک روش تحلیل محتوا، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج به‌صورت کدگذاری در جدول ۳ قرار گرفت. تحلیل‌ها بیانگر آن است که با توجه به بعد معماری و روانشناسی، هویت مکان، دل‌بستگی به مکان و تعاملات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی تعلق به مکان هستند. در ادامه به بیان و تعریف هر کدام از این مؤلفه‌های تأثیرگذار پرداخته شده است.

هویت مکان^۱

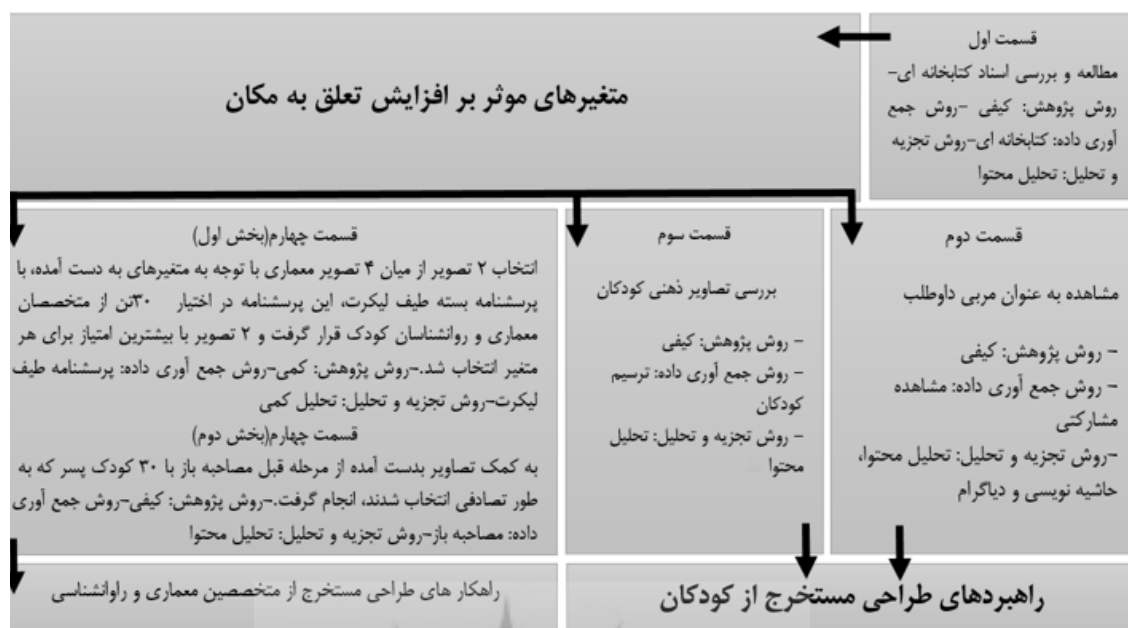
مفهوم هویت مکان در ابتدا توسط پروشانسکی معرفی شد که آن را زیر ساختاری از هویت شخصی فرد تعریف کرد (Proshansky, 1978). در واقع هویت مکان شامل خاطرات، نگرش‌ها و تجربه‌هایی از مکان‌های فیزیکی است که هر فرد زندگی کرده است (Peng et al., 2020). بنابراین، هویت مکان درک یک محیط است که به‌عنوان یک تجربه مشارکتی بین محیط فیزیکی و مردم در نظر گرفته می‌شود (Tournois & Rollero, 2020). وجود هویت مکان عاملی جهت ارتقاء تعلق ساکنان به مکان است که به کودکان نیز در به دست آوردن هویت شخصی‌شان کمک می‌کند (Chatterjee, 2005).

دل‌بستگی به مکان^۲

دل‌بستگی به مکان پیوندی است که توانایی یک محیط را در پاسخ به نیازهای کاربران و فعالیت‌های مورد نظر آن‌ها نشان می‌دهد. هرچه رفع نیازهای یک فرد راضی‌کننده‌تر باشد، پیوند عمیق‌تر خواهد بود (Menatti et al., 2019). دل‌بستگی به یک مکان، معمولاً بر اساس تجربه و خاطره بنا می‌شود و می‌تواند از طریق تعامل بلندمدت توسعه‌یابد (Chen et al., 2020). ایجاد دل‌بستگی به مکان در دوران کودکی می‌تواند نقش به‌سزایی در شکل‌گیری هویت هر فرد و در نتیجه آن هویت یک جامعه داشته باشد. به همین خاطر به وجود آوردن فضایی در راستای ایجاد دل‌بستگی به مکان با آگاهی کامل نسبت به این گروه سنی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد (مستغنی و اعتمادی، ۱۳۹۵).

تعاملات اجتماعی^۳

افراد دل‌بستگی به مکان خود را از طریق خاطرات و تجربیات معنادار، با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند (Van Riper et al., 2019). همچنین، عضویت در گروهی از افراد و همچنین علایق



شکل ۲. فرایند پژوهش

جدول ۱. قسمتی از مقوله‌های مرتبط با حس تعلق به مکان که از قسمت اول پژوهش استخراج شدند

منبع	مقولات فراگیر	مقوله‌های سازمان دهنده
(Pretty et al., 2003) (Proshansky, 1978) (Foroudi et al., 2020) (Raymond et al., 2010) (Sönmez, 2016) (Hay, 1998) (Tournois & Rollero, 2020)	هویت مکان	حضور نور فرهنگ حضور طبیعت عناصر معماری
(Pretty et al., 2003) (Anton & Lawrence, 2014) (Reese et al., 2019) (Tsaur et al., 2014) (Raymond et al., 2010)	تعاملات اجتماعی	اکتشاف فعالیت اشتراکی مسئولیت پذیری ارتباطات کلامی
(Pretty et al., 2003) (Spencer, 2002) (Sebastien, 2020) (Bettmann et al., 2015; Morgan, 2010) (Groark & McCall, 2005) (Proshansky, 1978) (Liu et al., 2020) (Khanbabaei, 2016)	دلبستگی به مکان	خاطره سازی احساسات مثبت احساسات منفی تخیل و تجسم حضور صدا وجود رنگ

نظر گرفته شد. از بهمن ماه سال ۱۳۹۷ تا مردادماه ۱۳۹۸ با حضور در مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست شهر اصفهان؛ خانه آرمان، خانه اصفهان، خانه شمیم باران و مرکز رقیه، گفتگوهای انجام شده با ۶۰ کودک مورد مطالعه، ارتباط کودکان، سرگرمی‌هایشان و دلبستگی

قسمت دوم؛ استخراج مقولات مرتبط با تعلق به مکان از مشاهده مشارکتی: از آنجایی که ابزار جمع‌آوری داده در این قسمت پژوهش، مشاهده مشارکتی مراکز نگهداری بود، در نتیجه صحبت‌ها و بازی‌هایی که با کودکان انجام شدند به‌عنوان منبع استخراج متغیرهای جدید در

کردند. اطلاعات شخصی کودک و مصاحبه در مورد نقاشی‌های او در پشت نقاشی‌های او ضبط شد. حین ترسیم نقاشی با کودکان راجع به آنچه ترسیم می‌کنند، گفتگویی صورت گرفت. در پایان ۶۰ نقاشی از کودکان ۶ تا ۱۰ سال جمع‌آوری شد. سپس این تصاویر توسط دو تن از متخصصان روان‌شناسی کودک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت مفاهیم استخراج شده از تحلیل‌های روان‌شناسان و صحبت‌های کودکان درباره آنچه ترسیم کرده‌اند، کدگذاری شد و مقوله‌های اولیه، سازمان‌دهنده و فراگیر تحلیل شدند. در جدول ۴ دو نمونه از تحلیل محتوای نقاشی کودکان آورده شده است و در جدول ۵ مقولات سازمان‌دهنده قسمت سوم پژوهش، قرار گرفته‌است. بعد از تهیه مقولات اولیه و کدگذاری باز جدول فراوانی مقولات تهیه شد. سپس مقولات سازمان‌دهنده فراهم شد که به این ترتیب از کدگذاری محوری استفاده گردید. در این قسمت از پژوهش با توجه به نتایج به دست‌آمده از نقاشی‌های کودکان و همچنین واگویه‌هایشان، به بررسی مفاهیم و مقوله‌های اولیه پرداخته شد. مجموع کل فراوانی‌ها ۷۴۰ مورد بود که ۴۸ درصد آن‌ها را مقوله فراگیر هویت مکان تشکیل می‌داد و ۴۰ درصد مربوط به دلبستگی به مکان بود و تنها ۱۲ درصد آن‌ها را تعاملات اجتماعی تشکیل می‌دادند.

قسمت چهارم؛ استخراج مقولات مرتبط با تعلق به مکان از تصاویر انتخاب‌شده توسط کودکان: بخش چهارم این پژوهش شامل دو بخش است. بخش اول: تعدادی تصویر در اختیار متخصصان و

آن‌ها به فضاهای خاص، مشاهده و ثبت شد. سپس از تک‌تک گفتگوهایی با کودکان انجام شد و واگویه‌های آن‌ها در ارتباط با فضاها و فعالیت‌های دلخواهشان، مفاهیمی استخراج شدند. در جدول ۲ برای نمونه تنها صحبت‌های ۶ کودک در ارتباط با یک پرسش قرار گرفته است. پس از تحلیل محتوا، مقوله‌های اولیه مقولات سازمان‌دهنده و فراگیر جمع‌آوری شدند. در جدول ۳ مقولات فراگیر به دست آمده از مقولات سازمان‌دهنده قرار گرفت. طبق تمام مقوله‌های استخراج‌شده از کودکان، احساساتی مانند احساس غم و اندوه، عدم لذت بردن از تجربیات مختلف، کاهش سطح تمرکز، یا حتی عدم میل به پیشرفت و کاهش محسوس سطح شادابی در این کودکان به شدت مشاهده می‌شود. اما نتیجه تحلیل محتوای واگویه‌های آن‌ها ۵۰ درصد تعاملات اجتماعی و ۵۰ درصد دیگر مقولات فراگیر هویت مکان و دلبستگی به مکان است.

قسمت سوم؛ استخراج مقولات مرتبط با تعلق به مکان از تصاویر بصری (نقاشی‌های کودکان): سال‌هاست که روان‌پزشکان بر اهمیت نقاشی آزادانه کودکان در آشکارسازی ذهن آن‌ها تأکید کرده‌اند. رنگ‌ها و ترکیب خطوط در این نقاشی‌های به ظاهر ساده، نشانه‌های پیچیده‌ای هستند که می‌توانند منشأ آسیب‌های روانی اطفال را آشکار کند (Soylu et al., 2015). در این قسمت ۴۰ دقیقه به هر کودک فرصت داده شد تا فضای محبوبش را برای زندگی، نقاشی کند. کودکان هنگام نقاشی از مداد شمعی یا مداد رنگی استفاده

جدول ۲. نمونه‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌های کودکان

ردیف	عبارت	مفاهیم مورد توجه کودک
۱	آرزو می‌کنم وسط خونمون باغچه باشه	توجه به وجود فضای سبز
۲	من دوست دارم با دوستانم توی حیاط بازی کنیم بتونیم از دیوار بریم بالا	توجه به وجود حیاط، اهمیت سرگرمی
۳	آرزو می‌کنم هرروز صبح خورشید بیدارم کنه	توجه به کیفیت نور طبیعی
۴	من دلم میخواد توی اتاقم کتابخونه داشته باشم	توجه کودک به فضاهای مختص خود کودک
۵	دوست دارم پنجره اتاقم بزرگ باشه تا با صدای پرنده‌ها بیدار بشم	علاقه به صدای پرندگان
۶	من آرزو می‌کنم یه اتاق با رنگ‌های قشنگ داشته باشم تختم قشنگ باشه	علاقه به رنگ در اتاق و مبلمان

جدول ۳. مقولات فراگیر قسمت دوم پژوهش

مقوله فراگیر	مقولات سازمان‌دهنده
تعاملات اجتماعی	ارتباط با فضای باز، سرگرمی، بازی، ورزش، امنیت، فضای سبز
هویت مکان	حریم خصوصی، نور طبیعی، وجود رنگ، موسیقی
دلبستگی به مکان	وجود رنگ، تجسم، تخیل، خاطره‌سازی، احساسات مثبت و منفی


جدول ۴. الف- تحلیل نقاشی‌ها و مقوله‌های اولیه

کد نقاشی: A 1

جنس و سن کودک: پسر ۱۰ ساله

صحبت‌های کودک درباره ترسیماتش:

این منم که روی تختم خوابیدم. اینم کمدمه. اینم میز و صندلیمه. دوس دارم بالای تختم از این اسباب بازی ها باشه که بچه ها بالا تختاشون دارن. دلم میخواد یه چراغ خیلی بزرگ عین اینا که توی فیلما هست توی خونم باشه. اینا هم نقش قالبیه. تختم هم باید قرمز باشه



کودک سازگار است زیرا از چند رنگ مختلف استفاده میکند. شکل آدمی که کودک میکشد، پیش از هر چیز شکل خود یا درکی که از بدن و تمایلاتش دارد را بیان میکند. چراغ یعنی عشق و محبت در خانواده. تأکید کودک به این موضوع کمبود او را نشان می‌دهد. تأکید کودک به اسباب‌بازی‌های بالای تختش تمایل او به کودکی و نوزادی را نشان می‌دهد و دلایل کمبودهای خانواده بسیار زود پخته‌شده است و کودکی نکرده است.

تحلیل روان شناس اول

تأکید کودک به رنگ قرمز، حالت تحریک‌کنندگی دارد. این رنگ، عمل و مردانگی را نشان می‌دهد. کودکانی که از این رنگ استفاده می‌کنند، تمایل به برون‌ریزی احساسات دارند حتی این رنگ می‌تواند عدم مهارت‌های آن‌ها را نشان دهد. چپ جایگاه گذشته است و در راست صفحه، آینده است. ناحیه پایین صفحه، ناحیه غرایز بنیادی است و کودکان خسته و روان آزرده و افسرده بیشتر به این بخش گرایش دارند. بالای صفحه مطلوب و آرمان‌گراها و رؤیاپردازهاست و ناحیه‌ای در جهت گسترش تخیلات.

تحلیل روان شناس دوم


مفهوم	مقوله	مفهوم	مقوله
رنگ سبز و قرمز چراغ، چلچراغ تخت، فرش، میز و صندلی کوچک خواستن و آرزو داشتن	رنگ‌های متنوع نورپردازی متنوع توجه به مبلمان آرمان‌گرایی، امیدواری	خنده حیاط و وسایل بازی ارتباط با دیگران اسباب‌بازی‌های کوچک‌تر از سن کودک	نشاط، شادابی بازی و سرگرمی تعاملات اجتماعی آرزوهای محقق نشده

کد نقاشی: B ۲

جنس و سن کودک: پسر ۸ ساله

صحبت‌های کودک درباره ترسیماتش: دوس دارم همه خونه چوبی باشه

اینجا هم درخته
این هم دوستمه



کودک گوشه گیر، بیشتر از یک یا دو رنگ را در نقاشی به کار نمی‌برد. رنگ قهوه‌ای در نقاشی کودکان معمولاً به هنگام یادگیری نظافت توسط کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مرحله که کودک از بازی کردن با مدفوع خود منع می‌شود، با رنگ‌های تیره و کدر روی صفحه کاغذی به نوعی لذت جبرانی دست می‌یابد و کم و بیش به صورت وسیعی از طیف رنگ‌های قهوه‌ای استفاده می‌کند.

تحلیل روان شناس اول

در ورودی خانه نماد رفت‌وآمدهای خانوادگی است و اگر کوچک باشد یعنی خانواده کم رفت‌وآمد است و بالعکس. خانه بدون در ورودی در پنج تا هشت سالگی نشانه خجالتی بودن و وابستگی شدید به مادر است و بعد از هشت سالگی نشانگر احساس خود کوچک بینی و تنهایی است و در نوجوانی شرم حیای زیاده از حد و احساسات گرایبی رقیق و سطحی را نشان می‌دهد.

تحلیل روان شناس دوم

مفهوم	مقوله	مفهوم	مقوله
درب و پنجره چوبین سبزه	فرم درب، فرم پنجره مصالح چوب وجود فضای سبز	رنگ قهوه‌ای گوشه‌گیری	نظافت عدم اعتماد به نفس خجالت، اضطراب

جدول ۵. مقولات سازمان دهنده قسمت سوم پژوهش

مقوله سازمان دهنده	مقوله اولیه
حضور طبیعت	اشاره کودک به درخت و گل، تأکید کودک به وجود گیاه و سبزی‌نگی نماد دل‌تنگی او برای باغچه و یا باغی است که با مادر آنجا بوده است. لطافت گل را به مادرش تشبیه کرده است. گل در جلوی خانه نمایانگر حس طراوت کودک نسبت به احساسات خانوادگی است.
فعالیت اجتماعی	تأکید کودک به بازی با بچه‌های دیگر که میل به مشارکت یا گرایش عمیق به پیشرفت روابطش را متجلی می‌سازد.
حضور نور طبیعی	رنگ زرد معادل نور طبیعی، شادی و خوش‌بینی است و به منزله درخشش و گشایش محسوب می‌شود و میل به مشارکت یا گرایش عمیق به پیشرفت را متجلی می‌سازد. معمولاً کودکان ۸-۹ ساله از این رنگ بیشتر استفاده می‌کنند. بکار بستن افراطی این رنگ می‌تواند به معنای نیاز به آزادسازی تنش‌های درونی باشد.
فعالیت مشارکتی	اشاره کودک به بازی و سرگرمی و تمایل به برقراری ارتباط و کودک چهره‌ها را خندان کشیده به معنی تعاملات خویش با دیگران است.
تخیل و خیال‌پردازی	کودک در هر لحظه تصورات خودش را زندگی می‌کند. کودک بی‌سرپرست همیشه رویای پدر و مادرش در خانه‌های بزرگ را دارد. در فضاهای معماری، فضاهای بدون نظارت قوه تخیل کودک را تقویت می‌کند.
سلامت روان	فقدان رنگ در تمام یا قسمتی از نقاشی نشانگر خلأ عاطفی است و گاهی بر گرایش‌های ضداجتماعی دلالت دارد. کودک گوشه‌گیر، بیشتر از یک یا دو رنگ را در نقاشی به کار نمی‌برد.
احساسات مثبت	کودک به راحتی شادی، محبت، عشق، همدلی، پیروزی، انرژی و انگیزه لازم در جهت تحرک و پویایی را در زندگی تولید می‌کند. طراحی باید به گونه‌ای باشد که این احساس را متبادر کند.
احساسات منفی	کودکان بی‌سرپرست به دلیل سرزنش‌های مخرب و کمبود محبت در دوران کودکی، از همان سنین اولیه، احساسات منفی را در خود پرورش می‌دهند. وقتی بالغ‌تر می‌شوند، این احساسات شدیدتر می‌شود و انواع احساسات منفی بیشتری را تولید می‌کند.
مسئولیت‌پذیری	کودک کالاسکه نوزاد کشیده که به معنی احساس مسئولیت‌پذیری و حمایت است.
دلبستگی به مکان	حس دلبستگی موجب تبدیل فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری خاص برای افراد می‌شود. خانه با ابعاد مختلف معنایی، کارکردی و کالبدی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفی زندگی افراد خانواده ایفا کند. با در نظر گرفتن نقش مهم و اساسی خانواده در نظام اجتماعی و با توجه به عوامل مؤثر بر دلبستگی افراد به محل سکونت می‌توان نقش مؤثری بر بهبود کیفیت جامعه ایفا کرد.
حریم خصوصی	تنهایی هر کودک مهم‌ترین لحظات در جهت افزایش سلامت روان و تفکر اوست. هر کودکی باید فضای منحصربه‌فرد خود را داشته.
فضای باز	وقتی کودک علاقه‌مند به تماشای فضای بیرون، علاقه‌مند به وجود پنجره، وجود حیاط و علاقه به صدای پرندگان دارد یعنی او فضای باز را می‌طلبد.
تجربه مکان	کودکان با اکتشاف فضاهای متفاوت شروع به تجربه کردن می‌کنند آن‌ها به طور غریزی از بازی‌های خطرناکشان به خاطر کسب تجربه پرهیز می‌کنند.

یک رنگ و در حالت پرسپکتیو دید ناظر تهیه شدند و تنها تفاوت آن‌ها فرم بنا بود تا پس از انتخاب تصاویر توسط متخصصان، کودک توانایی تشخیص و انتخاب شاخص مورد نظر را داشته. در ادامه تنها یکی از پرسش‌هایی که در اختیار متخصصان معماری و روانشناسان کودک در جدول ۶ قرار گرفت آورده شده است.

بخش دوم: پس از انتخاب تصاویر توسط متخصصان و روانشناسان، تصاویر به کودکان در قالب یک پرسش ساده نشان داده شده. هر کودک به تنهایی بدون حضور دوستانش در آرامش خاطر به پرسش‌ها

روانشناسان قرار گرفت تا بر اساس آن‌ها، میزان گرایش خود را برای انتخاب هر تصویر مشخص کنند سپس با استفاده از طیف لیکرت، پاسخ‌دهندگان به هر گویه، میزان موافقت خود را با موضوع مرتبط بر اساس سطوح ۱ تا ۵ علامت زدند. این سطوح به صورت ترتیبی بوده‌است و از کمترین تا بیشترین میزان توافق را نشان می‌دهند. لازم به ذکر است که هنگام انتخاب تصاویر برای پرسشنامه تصویری، سعی شد تا تنها یک متغیر متفاوت در میان تصاویر موجود باشد. برای مثال، اگر شاخص اندازه-گیری فرم ساختمان باشد، تمام تصاویر به

جدول ۶. یکی از پرسش‌هایی که در اختیار متخصصان معماری و روانشناسان کودک قرار گرفت

به نظر شما کدام یک از تصاویر زیر برای قیاس فرم ساختمان (ساده، منحنی و بی‌قاعده) مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست مناسب هست؟																													
فرم ساده ساختمان																													
																													
خیلی زیاد ۵					متوسط ۴					خیلی کم ۱					خیلی زیاد ۵					متوسط ۴					خیلی کم ۱				
فرم بی‌قاعده ساختمان																													
																													
خیلی زیاد ۵					متوسط ۴					خیلی کم ۱					خیلی زیاد ۵					متوسط ۴					خیلی کم ۱				
فرم منحنی ساختمان																													
																													
خیلی زیاد ۵					متوسط ۴					خیلی کم ۱					خیلی زیاد ۵					متوسط ۴					خیلی کم ۱				

جدول ۷. مقوله‌های سازمان دهنده و مقولات اولیه قسمت چهارم پژوهش

مقوله سازمان دهنده	مقولات اولیه
کیفیت نور	اهمیت نور طبیعی در وسعت دادن به فضا، امنیت بیشتر با نور طبیعی، نورپردازی کم، نورپردازی زیاد، نور طبیعی، نور مصنوعی، اهمیت نور طبیعی در درک جزئیات فضا، اهمیت نور طبیعی هنگام مطالعه، شادابی و نشاط با نور طبیعی
فعالیت اجتماعی	فعالیت بدنی، فعالیت اشتراکی، ورزش، سرگرمی و بازی،
وجود احساسات مثبت	انگیزه، آرامش، اعتمادبه‌نفس، عزت نفس، سلامتی، محبوبیت، تندرستی، روحیه، علاقه، آرامش
وجود احساسات منفی	ترس از ارتفاع، حس کمبود، ترس، حسادت، غم، بی‌سرپرستی، بد سرپرستی، بی‌حمایتی، افسردگی، بیماری، ناامیدی، تنفر
امنیت	شناخت، دلبستگی، پرورش، سلامتی، مذهب، محبوبیت، استقلال، ایمنی، تربیت
مسئولیت‌پذیری	آرامش، مراقبت، سرپرستی، نگهداری، آسایش
فرم	هندسه، عناصر، مصالح، بافت، اندازه
اهمیت وجود رنگ	تنوع فضا با رنگ، افزایش خلاقیت با وجود رنگ، اهمیت رنگ در جذابیت، رنگ گرم، رنگ سرد، رنگ جیغ، رنگ مات
خاطره سازی	شناخت، تجربه، اکتشاف، دلبستگی، حافظه، تاریخ، خلاقیت، یادگیری، مراقبت، کنجکاو، قدرت تخیل، آرزو داشتن
وجود طبیعت	اهمیت وجود فضای سبز، اهمیت فضای سبز در دید و منظر، گل و گیاه، وجود درخت و چمن، سبزی‌نگی
اهمیت مبلمان	افزایش نظم با مبلمان ثابت، جذابیت مبلمان با قابلیت جابه‌جایی و به‌عنوان جزئی از فضا، کارایی بیشتر با جابه‌جایی مبلمان،
اهمیت مقیاس	اهمیت مقیاس در جهت افزایش زیباییشناسی، اهمیت مقیاس کودک در طراحی‌ها، اهمیت مقیاس عناصر معماری
اهمیت مصالح	بافت، چوب، فلز، بتن
عناصر معماری	پلکان، راهرو، سقف، کف و غیره

باعث ایجاد تعلق بیشتری به مکانی خاص می‌شود (Scannell et al., 2016). از طرف دیگر، نگرش کودک نسبت به مکان، با ناخودآگاه او توصیف می‌شود، یعنی محیط فیزیکی برای آنچه کودک می‌تواند در آنجا انجام دهد، ارزش‌گذاری می‌شود (Hay, 1998). استقلال و خودمختاری در کودکان باعث خلاقیت و آزادی می‌شود و تعلقات آن‌ها به مکانشان را گسترش می‌دهد (Harcourt et al., 2011). اما در مواردی نیز بر خلاف مبانی نظری موجود در پیشینه استفاده از فضاهایی با مقیاس بزرگ و ارتفاع زیاد ترجیح کودکان است همچنین کودک به پنجره‌های بزرگ و فرم‌های ساده علاقه‌مند است و انعطاف‌پذیری در مبلمان، تعبیه فضاهای خصوصی جهت ایجاد و حفظ تمرکز و حس مالکیت و استقلال کودکان، خلق فضاهایی جهت تسلط کودکان بر محیط و رؤیت فضا از بالا از عوامل تشدیدکننده دل‌بستگی به مکان و افزایش تعلق کودک است.

نتیجه‌گیری

با توجه به متغیرهای جمع‌آوری‌شده در قسمت اول پژوهش و همچنین راهبردهای طراحی استخراج شده از قسمت‌های دوم، سوم و چهارم پژوهش، یافته‌های پژوهش در شکل ۳ و راهبردهای طراحی مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست در جدول ۸ جمع‌آوری شدند. در جدول ۹ نیز دیاگرام‌هایی با توجه به مقولات سازمان‌دهی که در چهار قسمت پژوهش مشترک بودند طراحی شدند.

پاسخ داد. پاسخ‌های هر کدام به صورت جداگانه ضبط و بررسی شد. سپس استخراج مقوله‌های اولیه از صحبت‌های آن‌ها انجام گرفت و کدگذاری باز انجام شد. در نهایت پس از انجام کدگذاری محوری، مقولات سازمان‌دهنده جدول ۷ و فراگیر جمع‌آوری شدند.

بحث

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که به‌منظور افزایش تعلق به مکان در مراکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست، توجه به چیدمان فضاها و تنوع عملکردی هر فضا از مهم‌ترین عوامل برای کودک بی‌سرپرست و کنج‌کاو است. با توجه به اینکه مطالعات توصیفی بسیاری در مورد موضوعات مشترک تعاملات کودکان با مکان انجام شده است و تعلق به مکان به‌عنوان اصلی برای روابط امن کودکان شناخته می‌شود، اما کودک با اکتشاف در فضاهای ناشناخته و بررسی هر مکان توسط تجربیات خودش بیشتر به آن فضا علاقه‌مند می‌شود و برای تعدیل روابط امن کودک و فضا، اگر مراقبت و امنیت به صورت غیرمستقیم و دور از چشم کودک به کار رود به شخص کودک استقلال شخصی و اعتماد به نفس منتقل می‌کند. اغلب محققان، فضاهایی را برای کودکان در نظر می‌گیرند که قابلیت تصمیم‌گیری آن‌ها را زیاد کند و حس مالکیت به آن‌ها دهد، فضاهایی که برایشان قابل سکونت باشد و قابلیت تبدیل فضاهای خشک را به فضاهای شخصی داشته باشد (Fleet & Britt, 2011, 148) در واقع داشتن حس ماجراجویی، آزادی و لذت

یافته‌های قسمت اول	یافته‌های قسمت دوم	یافته‌های قسمت سوم	یافته‌های قسمت چهارم	جمع‌بندی تمام یافته‌ها
تعاملات اجتماعی	افزایش ارتباطات افزایش فعالیت بدنی	افزایش گروهی وجود فضای باز به دلیل فضاهای گرد هم آورنده، امکان کار گروهی و مشارکت	اهمیت وجود فضاهای تجمع اهمیت وجود امنیت اهمیت حضور طبیعت مسئولیت‌پذیری	افزایش فعالیت اجتماعی با کارگاه‌های پرورش خلاقیت سازماندهی فضای باز خصوصی و عمومی با رعایت امنیت کودک
دل‌بستگی به مکان	اهمیت وجود حریم خصوصی کیفیت نور وجود موسیقی اهمیت خاطره سازی	تخیل و تجسم تجربه مکان تجربه و اکتشاف اهمیت وجود رنگ	احساسات مثبت احساسات منفی اهمیت مصالح اهمیت مبلمان	استفاده‌های پیش‌بینی نشده از المان‌ها جهت خاطره سازی طراحی با هدف اکتشاف فضا توسط کودک طراحی بر مبنای توجه به حریم
هویت مکان	تمایل به اکتشاف افزایش خلاقیت اهمیت تجسم و تخیل حضور طبیعت توجه به سلامت روان	اهمیت وجود امنیت توجه به تاریخ: توجه به ناخودآگاه جمعی کودکان نسبت به محیط توجه به تقویت حافظه	اهمیت مقیاس کودک در طراحی‌ها عناصر معماری تجربه مکان	طراحی با هدف در نظر گرفتن مصالح گرم مانند آجر و چوب ایجاد فضاهای متنوع اما آشنا یا هدف تجربه مکان

شکل ۳. یافته‌های پژوهش

با بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار مانند؛ فضا (تناسبات، آسایش و ایمن، کیفیت فضا)، عناصر طبیعی (کیفیت نور، منظر)، مبلمان، رنگ، صدا و مصالح که از مراحل تحقیق به دست آمدند؛ به اهداف راهکارهای طراحی رسیدگی شد و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که وجود عناصر طبیعی، سازمان‌دهی فضای باز خصوصی و عمومی و وجود کارگاه‌های افزایش خلاقیت؛ موجب افزایش تعاملات اجتماعی کودک بی‌سرپرست می‌شود. همچنین، با استفاده از خاطره سازی، طراحی بر مبنای اکتشاف و توجه به حریم خصوصی کودک، باعث ایجاد دلبستگی به مکان می‌شود. با در نظر گرفتن مصالح گرم و طبیعی مانند آجر و چوب و ایجاد فضاهای متنوع اما آشنا با هدف تجربه مکان؛ هویت مکان افزایش می‌یابد. با افزایش دلبستگی به مکان، هویت مکان و تعاملات اجتماعی، تعلق به مکان در مرکزنگهداری کودکان بی‌سرپرست پررنگ‌تر خواهد شد.


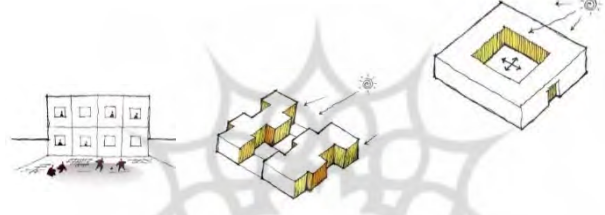
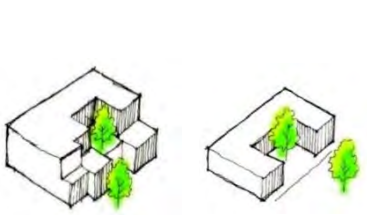
جدول ۸. راهبردهای طراحی مرکزنگهداری کودکان بی‌سرپرست

مؤلفه‌های تأثیرگذار	راهبردهای طراحی مرکزنگهداری کودکان بی‌سرپرست	هدف
تناسبات	تعداد طبقات کم اما ارتفاع هر طبقه زیاد	افزایش هیجان در کودک، افزایش هویت مکان
	دسترس پذیری و نظم	سیرکولاسیون برانگیزاننده، افزایش دلبستگی به مکان
آسایش و ایمنی	وجود فضاهای شفاف و امن و عدم وجود فضاهای مخفی	عدم ترس کودک، افزایش دلبستگی به مکان
	طراحی واحدهای مسکونی مسئولین به صورت آشکار، به منظور نظارت غیرمستقیم بر کودکان	برای جلوگیری از ایجاد حس کنترل شون‌دگی، افزایش هویت مکان
	استقرار زمین‌بازی کودکان باید در کنار مکانهای آرام و به دور از خیابان باشد	آرامش خیال کودک در حین بازی، افزایش تعاملات اجتماعی
کیفیت فضا	ملموس کردن فضا برای کودک و آشنا جلوه دادن آن تا کودک بتواند در نگاه اول با محیط، ارتباط صمیمی برقرار کند و از دور شدن از مسئولین هراسی نداشته باشد.	ایجاد امنیت، ایجاد حس استقلال، افزایش دلبستگی به مکان
	طراحی فضاهایی توسط خود کودک	افزایش دلبستگی، افزایش تعلق به مکان
کیفیت فضا	استفاده از بافتهای مورد علاقه کودکان استفاده‌کننده از آن فضا	توجه به حس کنج‌کاو لامسه کودک، افزایش دلبستگی به مکان
	ایجاد حریم خصوصی برای هر کودک بی‌سرپرست	توجه به خلوت کودک، رشد دلبستگی به مکان
	فضای بازی متنوع و پر از علامت و نشانه جهت تعیین قلمرو توسط کودک	توجه به انتخاب کودک، افزایش تعلق به مکان
	طراحی به منظور اکتشاف فضاهای بزرگ از میان راهروهایی با سقف بلند برای کودک	افزایش حس تخیل و اکتشاف کودک، افزایش تعلق به مکان
کیفیت فضا	طراحی نشیمن برای ساکنان چند اتاق در هر فضا	ایجاد گپ و گفت میان کودکان، افزایش تعاملات اجتماعی
	طراحی کارگاههای آموزشی متنوع	حضور کودکان در چارچوب فعالیتهای روزانه جامعه، افزایش خلاقیت، افزایش تعاملات اجتماعی

ادامه جدول ۸. راهبردهای طراحی مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست

مؤلفه‌های تأثیرگذار	راهبردهای طراحی مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست	هدف
عناصر طبیعی	بهره‌گیری هر چه بیشتر و مناسب تر از نور طبیعی	ایجاد سرزندگی در کودکان، افزایش تعلق به مکان
	عدم استفاده از کنتراست بالا در نورپردازی	افزایش تمرکز کودکان، افزایش تعلق به مکان
	سایه اندازی متناسب فضاها	عدم ایجاد بی حوصلگی در کودک، افزایش تعلق به مکان
	تنوع بازشوها برای ورود کودکان و بزرگسالان	توجه به عناصر هم‌اندازه کودک، افزایش تعلق
	فضاهای سبز عجین شده با فضای داخلی به طوری که کودک خود را موظف به مراقبت از گیاهان بداند.	افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش تعلق به مکان
	فضای سبز مشترک فضاها	توجه به وجود دائمی اکسیژن، افزایش تعلق به مکان
	وجود درختان همیشه‌سبز	افزایش سرزندگی، افزایش تعلق به مکان
	ایجاد تعادل سبزی‌نگی در طبقات	ایجاد طراوت و تازگی در همه طبقات، افزایش تعاملات
	تهویه طبیعی	ورود هوای تازه و دفع بوهای ناخوشایند، افزایش تعلق
	استفاده از امکانات اقلیمی همچون بارش باران و وزش نسیم	مشاهده عوامل طبیعی دانش کودک را نسبت به اتفاقات محیطی افزایش می‌دهد. افزایش تعلق به مکان
میلان	استفاده از ابزاری که کودک طراحی یا ساخته است در میلان خانه	جهت افزایش اعتمادبه‌نفس کودک، افزایش دلبستگی به مکان
	تمام لوازم و وسایل بازی کودک باید متناسب با حس کنجکاوی و برای یادگیری او باشد.	افزایش فعالیت جسمی، حرکتی و خلاقیتی کودک، افزایش تعلق به مکان
	جذابیت و شگفت‌انگیزی میلان، استفاده از اشکال خاصی برای میلان کودک برای مثال اشکال حیوانات	جلب توجه کودک برای درک جزئیات، افزایش دلبستگی به مکان
	طراحی امکانات شخصی مانند قفسه، تختخواب، برای هر کودک	احترام به حریم شخصی کودک، افزایش هویت مکان
	عدم استفاده از گوشه‌های تیز در میلان	افزایش ایمنی، افزایش دلبستگی، افزایش هویت مکان
	توجه به یک رنگ خاص و ترکیب آن با سفید	افزایش قدرت کنجکاوی و ابتکار در کودکان
	عدم استفاده از تنوع شدید رنگی و عدم استفاده از غلظت بالا	استفاده افراطی از رنگ باعث ایجاد خستگی در کودک می‌شود.
	برای ایجاد خوانایی یا نشانه‌شناسی می‌توان از رنگ‌آمیزی استفاده نمود.	تأثیر روانی رنگ‌ها باعث ایجاد پویایی و ایجاد ذهنیتی باز می‌شود، افزایش تعلق به مکان
	ایجاد تمهیداتی برای بهره‌مندی از صداهای مناسب و خوشایند	افزایش توجه کودکان با حس شنوایی، افزایش تعلق به مکان
	ایجاد تمهیداتی برای حذف صداهای مزاحم در فضاهای داخلی	افزایش قدرت تمرکز کودکان، افزایش هویت مکان
مصالح	در فضاهای کودکان کف زمین باید به‌گونه‌ای باشد که در صورت زمین خوردن کودکان از شدت ضربه بکاهد.	برای تأمین ایمنی کودک، افزایش دلبستگی به مکان
	ترکیب مناسب مصالح گرم مانند آجر و چوب	در جهت توجه به اقلیم اصفهان و مصالح بوم آورد، افزایش هویت مکان
	صلبیت و شفافیت مناسب در استفاده از مصالح	توجه به تناسب هندسی میزان استفاده از مصالح شفاف و صلب، در جهت ایجاد تعلق بیشتر به مکان

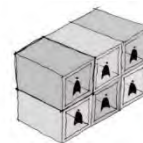
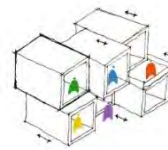
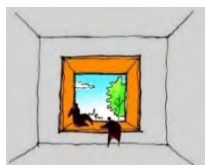
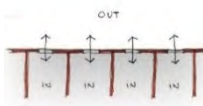
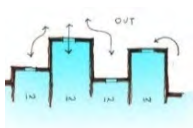
جدول ۹: دیگرامهای بعضی از راهبردهای طراحی به دست آمده

راهبردهای طراحی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی	راهبردهای طراحی مؤثر بر افزایش دلبستگی به مکان	راهبردهای طراحی مؤثر بر افزایش هویت مکان
فعالیت بدنی، فعالیت اشتراکی، بازی و سرگرمی	کیفیت نور	طبیعت گرایی و منظره پردازی
<p>تجربیات تفریح و بازی در آماده سازی کودکان برای تلاش، حل مسئله و انجام فعالیتهای خلاقانه مؤثر است. بنابراین نیاز به فضاهایی که با تنوع بیشتر برای سرگرمی کودکان طراحی می شود، است.</p>	<p>از آنجاکه در اقلیم گرم و خشک، شدت نور، معمار سنتی را وادار به کنترل دریافت نور کرده است، اما در این بین تأثیری که دریافت نور طبیعی بر هویت مکان دارد مدنظر است و با ایجاد کوران هوا میتوان نور طبیعی را کاهش داد.</p>	<p>درک کودک از طبیعت با درک فضاهای داخلی به کلی متفاوت است طبیعت به کودکان امکان تغییر و کشف می دهد. کودک را به بازی غنی و پیچیده تشویق و گسترده وسیعی از فرصتهای یادگیری را به او ارائه می کند.</p>
		
تخیل و اکتشاف	خاطره سازی	هویت فردی و حریم خصوصی

رفتار کودک در فضاهای نفوذپذیر بسیار متغیر است. وی می تواند ضمن کشف زوایای ناپیدای محیط از محدوددهای تعریف شده نیز خارج نشود محیطهایی که موجب سیالی فکر و آزادی در اکتشاف و روابط اجتماعی بیشتر در کودکان میشوند و آنها را به بازی در محیط دعوت میکنند، بر روند رشد خلاقیت تأثیر بیشتری خواهند داشت.

خاطره، حوادث و تجاربی است متعلق به زمان گذشته که در ذهن افراد یادآوری و بازسازی شده است، با طراحی همراه با تنوع فضایی، کودک می تواند در یک فضای منحصر به فرد با دوستانش تعاملات داشته باشد، از مناظر لذت ببرد و در ذهنش خاطره سازی کند.

به کارگیری تناسب و نظم و هندسه که وحدت را شکل می دهد علاوه بر احترام به حریم خصوصی هر کودک، هویت متمایز فردی را به او هدیه می دهد تا بتواند هر آن طور که دوست دارد در فضای حریم خصوصیش، خودش باشد که این امر به حرمت نفس او و اعتماد به نفسش نیز کمک میکند



پی‌نوشت‌ها

فهرست مراجع

and Place Attachment in the Relationship between Perceived Street Walkability and Mood of the Elderly. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(13), 1-18.

10. Fleet, A. & Britt, C. (2011). *Seeing spaces, inhabiting places: Hearing school beginners*. Abingdon: Routledge.

11. Foroudi, P., Cuomo, M. T., Foroudi, M. M., Katsikeas, C. S., & Gupta, S. (2020). Linking identity and heritage with image and a reputation for competition. *Journal of Business Research*, 113, 317-325.

12. Groark, C. J., & McCall, R. B. (2005). Improvements in early care in Russian orphanages and their relationship to observed behaviors. *Infant Mental Health Journal: Official Publication of The World Association for Infant Mental Health*, 26(2), 96-109.

13. Gündüz, M. (2020). *Project MIMPI: A Homelike Orphanage*. Unpublished master's thesis, Delft University of Technology, Netherland.

14. Harcourt, D., Perry, B., & Waller, T. (2011). *Researching young children's perspectives: Debating the ethics and dilemmas of educational research with children*. Newyork: Taylor & Francis.

15. Hay, R. (1998). Sense of place in developmental context. *Journal of environmental psychology*, 18(1), 5-29.

16. Japutra, A. (2020). Building enduring culture involvement, destination identification and destination loyalty through need fulfilment. *Tourism Recreation Research*, 1-13.

17. Johnson, D. E., Guthrie, D., Smyke, A. T., Koga, S. F., Fox, N. A., Zeanah, C. H., & Nelson, C. A. (2010). Growth and associations between auxology, caregiving environment, and cognition in socially deprived Romanian children randomized to foster vs ongoing institutional care. *Archives of pediatrics & adolescent medicine*, 164(6), 507-516.

18. Khanbabaei, A. (2016). *Designing Orphanage With The Approach Of Creating Sense Of Belonging To The Environment*. Retrieved March 18, 2018, from DOI: 10.7456/1060AGSE/020.

1. Place Attachment

2. Place Identity

3. Place Dependence

4. Social Bondings

۱. ناجی، محمد. (۱۳۹۹). واگناری امور مهدهای کودک به آموزش و پرورش/تعطیلی ۲۰۰ مهدکودک در ایام کرونا. بازیابی ۱۸ اردیبهشت، ۱۴۰۰، از <https://b2n.ir/f46487>.

۲. مستغنی، علیرضا و اعتمادی شهرزاد. (۱۳۹۵). چگونگی شکل‌گیری تعلق به مکان در کودکان. *آرمان‌شهر* (۱۷)، ۱۰۳-۱۱۳.

3. Aleshinloye, K. D., Fu, X., Ribeiro, M. A., Woosnam, K. M., & Tasci, A. D. (2020). The influence of place attachment on social distance: Examining mediating effects of emotional solidarity and the moderating role of interaction. *Journal of travel research*, 59(5), 828-849.

4. Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of environmental psychology*, 40, 451-461.

5. Asgari, Z., & Naghavi, A. (2020). School, A Focal Point for Post-Traumatic Growth: The Lived Experience of Adolescent Students after Father's Sudden Death. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 9(2), 101-110.

6. Bettmann, J. E., Mortensen, J. M., & Akuoko, K. O. (2015). Orphanage caregivers' perceptions of children's emotional needs. *Children and Youth Services Review*, 49, 71-79.

7. Chatterjee, S. (2005). Children's friendship with place: A conceptual inquiry. *Children Youth and Environments*, 15(1), 1-26.

8. Chawla L. (1992) *Childhood Place Attachments* In: Altman I., Low S.M. (Ed.), *Place Attachment. Human Behavior and Environment (Advances in Theory and Research)*(vol 12, pp. 63-86). Boston, MA: Springer.

9. Chen, C., Luo, W., Kang, N., Li, H., Yang, X., & Xia, Y. (2020). Serial Mediation of Environmental Preference

19. Kyle, G. T., Absher, J. D., & Graefe, A. R. (2003). The moderating role of place attachment on the relationship between attitudes toward fees and spending preferences. *Leisure sciences*, 25(1), 33-50.
20. Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of environmental psychology*, 31(3), 207-230.
21. Liu, Q., Wu, Y., Xiao, Y., Fu, W., Zhuo, Z., van den Bosch, C. C. K., Huang, Q., & Lan, S. (2020). More meaningful, more restorative? Linking local landscape characteristics and place attachment to restorative perceptions of urban park visitors. *Landscape and Urban Planning*, 197, 103-763.
22. Menatti, L., Subiza-Pérez, M., Villalpando-Flores, A., Vozmediano, L., & San Juan, C. (2019). Place attachment and identification as predictors of expected landscape restorativeness. *Journal of environmental psychology*, 63, 36-43.
23. Morgan, P. (2010). Towards a developmental theory of place attachment. *Journal of environmental psychology*, 30(1), 11-22.
24. Patwardhan, V., Ribeiro, M. A., Payini, V., Woosnam, K. M., Mallya, J., & Gopalakrishnan, P. (2020). Visitors' place attachment and destination loyalty: Examining the roles of emotional solidarity and perceived safety. *Journal of travel research*, 59(1), 3-21.
25. Peng, J., Yan, S., Strijker, D., Wu, Q., Chen, W., & Ma, Z. (2020). The influence of place identity on perceptions of landscape change: Exploring evidence from rural land consolidation projects in Eastern China. *Land Use Policy*, 99, 104-891.
26. Pretty, G. H., Chipuer, H. M., & Bramston, P. (2003). Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity. *Journal of environmental psychology*, 23(3), 273-287.
27. Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and behavior*, 10(2), 147-169.
28. Ramkissoon, H., & Mavondo, F. T. (2015). The satisfaction–place attachment relationship: Potential mediators and moderators. *Journal of Business Research*, 68(12), 2593-2602.
29. Ramkissoon, H., Weiler, B., & Smith, L. D. G. (2012). Place attachment and pro-environmental behaviour in national parks: The development of a conceptual framework. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(2), 257-276.
30. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of environmental psychology*, 30(4), 422-434.
31. Reese, G., Oettler, L. M., & Katz, L. C. (2019). Imagining the loss of social and physical place characteristics reduces place attachment. *Journal of environmental psychology*, 65, 101-325.
32. Roche, S. (2020). Conceptualising children's life histories and reasons for entry into residential care in the Philippines: Social contexts, instabilities and safeguarding. *Children and Youth Services Review*, 110, 104-820.
33. Scannell, L., Cox, R. S., Fletcher, S., & Heykoop, C. (2016). "That was the last time I saw my house": The importance of place attachment among children and youth in disaster contexts. *American journal of community psychology*, 58(1-2), 158-173.
34. Sebastien, L. (2020). The power of place in understanding place attachments and meanings. *Geoforum*, 108, 204-216.
35. Soltanzadeh, H. (2018). How to establish religious schools in historical cities of the Islamic period (Case study: Qazvin and Isfahan). *Human Geography Research*, 50(2), 449-466.
36. Sönmez, M. J. (2016). Place Identity and Detection in When We Were Orphans. *Kazuo Ishiguro in a Global Context*, 79-89.
37. Soylu, B., Ünüvar, P., & Çivik, S. P. (2015). Lineal development characteristics of preschool children paintings. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 174, 687-692.
38. Spencer, C. (2002). Arkwright town rebuilt: But a

sense of community lost. A commentary on Speller, Lyons & Twigger-Ross (2002), A community in transition. *Social Psychological Review*, 4(2), 23-24.

39. Tournois, L., & Rollero, C. (2020). "Should I stay or should I go?" Exploring the influence of individual factors on attachment, identity and commitment in a post-socialist city. *Cities*, 102, 1-17.

40. Tsaur, S.-H., Liang, Y.-W., & Weng, S.-C. (2014). Recreationist-environment fit and place attachment. *Journal*

of environmental psychology, 40, 421-429.

41. Van Riper, C. J., Yoon, J. I., Kyle, G. T., Wallen, K. E., Landon, A. C., & Raymond, C. (2019). The antecedents of place attachment in the context of an Australian national park. *Journal of environmental psychology*, 61, 1-9.

42. Yendork, J. S. (2020). Vulnerabilities in Ghanaian orphans: Using the ecological systems theory as a lens. *New Ideas in Psychology*, 59, 1-18.

